

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش درآمدی بر  
مکتب‌های فقهی معاصر

نگارش  
محمد حسن ربّانی

## فهرست عناوین

|    |                                   |
|----|-----------------------------------|
| ۷  | پیش‌گفتار.....                    |
| ۱۱ | فصل اول: کلیات .....              |
| ۱۱ | فقه در لغت .....                  |
| ۱۲ | قاعده کلی لغوی .....              |
| ۱۳ | فقه در اصطلاح.....                |
| ۱۳ | موضوع علم فقه .....               |
| ۱۴ | کاربرد کلمه فقه در عناوین .....   |
| ۲۰ | فصل دوم: بررسی برخی اصطلاحات..... |
| ۲۰ | فقه متلقات و فقه منصوص .....      |
| ۲۶ | فقه اجتهادی.....                  |
| ۳۷ | فقه فتوائی و استدلالی.....        |
| ۴۸ | فقه مقارن ، فقه خلاف .....        |
| ۵۲ | فصل سوم: فقه پویا .....           |
| ۵۳ | نظریه مهم اردبیلی .....           |
| ۷۱ | فصل چهارم: فقه جواهری.....        |
| ۷۶ | فصل پنجم: اخباریان.....           |

|                                                          |     |
|----------------------------------------------------------|-----|
| فصل ششم: فقه قرآن گرایان                                 | ۹۴  |
| فصل هفتم: فقه مقاصدی                                     | ۱۱۳ |
| فصل هشتم: فقه حکومتی                                     | ۱۲۹ |
| فقه حکومتی در شیعه                                       | ۱۳۶ |
| فصل نهم: فقه سیاسی                                       | ۱۴۶ |
| فصل دهم: فقه نو معتزلیان                                 | ۱۵۶ |
| فصل یازدهم: فقه فقیهان نوگرای معاصر                      | ۱۶۴ |
| فصل دوازدهم: فقه مستحدث                                  | ۱۸۲ |
| فصل سیزدهم: فقه سیاسی                                    | ۱۹۴ |
| خواستگاه‌های مکتب‌ها و گرایش‌های فقهی                    | ۱۹۸ |
| آیت الله شیخ محمد یعقوبی                                 | ۲۴۱ |
| آیت الله حسین علی منتظری                                 | ۲۵۱ |
| فقه‌های معاصر شهرت محور                                  | ۲۶۱ |
| نگاه آیت الله خوانساری به فقه حکومتی                     | ۲۸۲ |
| دائرة نفوذ ولایت فقیه مهم‌ترین عامل اختلاف فقه‌های معاصر | ۲۹۸ |
| لزوم تجدید نظر در فقه سنتی                               | ۳۲۴ |
| کتابشناسی                                                | ۳۳۷ |

## پیش‌گفتار

علم فقه در طول تاریخ حیات خود، مراحل گوناگونی را پشت‌سر گذاشته است. دوره تولید فقه در مدینه منوره، با آیات قرآن و در ضمن سوره‌های طوال آن اتفاق افتاد. سنت رسول خدا ﷺ نیز نقش کلیدی را در کنار قرآن کریم ایفا کرد. قرآن و سنت، مولد فقه بودند.

در دوره ائمه علیهم‌السلام، فقه منصوص پا گرفت. در قرن سوم و چهارم و در آغاز غیبت صغری و کبری، فقه، مرحله جدیدی را طی کرده و از فقه منصوص، تبدیل به نشر فقهها شد.

از دوره شیخ مفید، نه تنها فقه شیعه گسترش پیدا کرد؛ بلکه مکتب‌های فقهی و نحله‌های گوناگونی در فقه پدید آمد، و فقهها فقه را گسترش دادند.

از دوره محقق حلی و علامه حلی فقه شیعه وارد مرحله جدیدی شد؛ اندک اندک فقیهان سترگی، متون پر ساز و برگ فقه را نوشته و مکتب‌های فقهی متعدد و منهج‌های گوناگون پدید آمد.

فقه نصوص، فقه مقارن، فقه خلاف، فقه اجتهادی و استدلالی و فقه فتوائی؛ در انواع مختلف فقه، متون ارزشمندی نوشته شد، تا دوره معاصر ما که برخی از شخصیت‌های معاصر، صور خاصی از فقه را ارائه کرده و تمامی فقه را به نظریه‌ای

خاص وابسته نمودند. فقه مقاصدی، فقه پویا، فقه سنتی، فقه حکومتی و مستحدث و غیره.

فقه هر روز در حال گسترش می‌باشد، و مسائل انبوهی وارد جامعه می‌شود که فقه باید جوابگوی آن باشد.

این نوشتار با عنوان «پیش درآمدی بر مکتب‌های فقهی معاصر» ارائه شده، ولی پیشینه مکاتب و روش‌های فقهی را نیز یادآور شده است.

اتفاقاً در سال‌های اخیر در برخی مراکز آموزشی، این عنوان درسی نیز وجود دارد و نیاز است که در این زمینه، نوشتاری وجود داشته باشد؛ بر همین اساس از آنجا که این مواد درسی، مورد بحث و تدریس قرار گرفته بود و در دوره اخیر، جلسات درس ضبط شده و در کانال قرار داده شده بود، لذا فرصت را مغتنم شمرده، متن دروس را نوشته و کتابی به ادعای خودم بی‌سر و ته سامان دادم، ولی در عین حال مدعی هستم فقه‌های مضاف و صفات فقه را بررسی کرده، و درباره آن سخن گفته و مکاتب فقهی معاصر را مورد بحث قرار داده‌ام، *إن شاء الله* که مفید افتد.

این کتاب را با متنی بدون حواشی و مصادر در دهه آخر ذی القعدة و دهه اول ذی‌الحجه ۱۴۴۲ هجری قمری برابر با تابستان ۱۴۰۰ شمسی در روستای گازار نوشتم، و *إن شاء الله* در فرصت‌های بعدی مصادر آن را در کتابخانه کامل خواهم کرد. دأب این‌جانب این‌گونه است که مدت‌ها روی یک موضوع، مطالعه فراوان نموده، سپس آن را چندین بار تدریس، و پس از آنکه متن را آماده و کامل کردم، آن را می‌نویسم که فراموش نشود، آنگاه در کتابخانه، منابع آن را کامل نموده و اصلاحات لازم را انجام می‌دهم تا بالأخره سروسامان پیدا کند، سپس آن را برای تایپ می‌دهم. در خاتمه، باید این نکته را یادآور شوم که فقه‌های مضاف فراوانی در ساحت قدس فقه مطرح شده است، و به تعبیری - اگر بی‌ادبانه نباشد - نوکسیه‌هایی مدعی

علم، پژوهش در فقه را به هر بابی از عنوان‌های جزئی فقه اضافه نموده و ساحت فقه را چنان گسترده و بی‌در و دروازه کرده‌اند، که اصل فقه فوت شده است.

بزرگان از قدیم، فقه را در ابواب چهارگانه، مورد بحث قرار می‌دادند: فقه العبادات، فقه المعاملات، فقه العقود المعاصره، فقه السياسات والأحكام. و در مرحله دوم آن را به عناوین کلی دیگر، همچون فقه المقاصد، فقه سیاسی و فقه حکومتی اضافه کرده‌اند. در مرحله سوم نیز آن را به کتاب‌های فقهی؛ مانند فقه الصلاة، فقه الزکاة (قرضاوی)، فقه الحج، فقه القضاء و امثال آن، تسری داده‌اند.

اما اینکه پائین‌تر از آن برای هر موضوعی، فقه را به آن اضافه کنیم و فقه‌های مضاف را گسترش دهیم قطعاً سبک خواهد بود. ضرورتی ندارد فقه الانتخابات داشته باشیم، در حالی که تمام فقه الانتخابات، پنج مسأله بیشتر نیست و نمی‌شود درباره آن یک جلسه هم صحبت کرد. پس بیاییم فقه الحکومه را مطرح کنیم و در ذیل آن یک شاخه بحث را به احکام الانتخابات اختصاص دهیم.

نظیر این مطلب از ناحیه یکی از رؤسای جامعة المصطفی مطرح شده بود که ما می‌خواهیم در جامعة المصطفی، ۲۵۰ رشته و گرایش‌های گوناگون را راه‌اندازی کنیم. در یکی از دانشگاه‌ها، عنوان «فقه الأقلیات» مطرح شده بود. مراد آنها از فقه الأقلیات، بررسی احکام اقلیت‌های مذهبی است.

حکم حکومت اسلامی در برخورد با اهل کتاب، حکم طهارت و نجاست آنها و نیز حکم ازدواج و ذبیحه آنها، در احکام الأقلیات داخل می‌باشد.

نظیر این عنوان، بسیار باز نشده است، عنوان‌های کوچک مربوط به بحث خاصی می‌باشد؛ این‌گونه رشته‌ها و گرایش‌ها، اصل مبانی کلی و عناوین کلی فقه را لوٹ می‌کند. باید عنوان کلی؛ فقه العقود، فقه الأسره، فقه السياسه باشد و فقه الحکومه باشد تا در ذیل آن، بحث‌های گوناگونی را به عنوان مصداق و سر فصل بررسی کنند.

فقه‌های سه برگی و پنج برگی، فقه را بر زمین زده و آن را رشد نمی‌دهد، بلکه باعث زیاد شدن عناوین می‌شود و از اهمیت عنوان‌های مهم کاسته می‌شود. باید عناوینی؛ مانند فقه السیاسه و فقه الحکومه باشد و در اندرون آن بحث کنیم که آیا انتخابات چه حکمی دارد ولی راجع به هر سرفصل، یک فقه مضاف مطرح نکنیم. این کتاب را در زمانی نوشتم که کرونا به شدت دیگر بار کشور را قرمز کرده و به این عنوان هم اشاره کنیم که برخی فقه الکرونا راه انداخته‌اند در حالی که باید عنوان آن، فقه المستحدث باشد و آن مورد بحث قرار گیرد.

الآن تابستان ۱۴۰۰ هجری شمسی در روستای گازار هستم، و در نیمه دوم ذی القعدة و نیمه اول ذی الحجه کتاب را تمام کردم. خداوند توفیق دهد در کتابخانه مصادر آن را کامل کنم، و ویراستاری کامل شود و إن شاء الله چاپ شود. خداوند این بلیه جهانی را از این مملکت به برکت امام زمان علیه السلام رفع کند. آمین  
ربّ العالمین

محمد حسن ربانی